

تحلیل نقش خانواده در پیش‌گیری از جرائم و انحرافات از منظر آیات و روایات بر اساس الگوی رفع نیاز

* سیده‌محمد هاشم پورمولا

** مجتبی‌جاویدی

*** محدثه جلیلی‌زاده

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است که در سایه ارتباط با دیگران می‌تواند به استعدادهای خویش واقف شده و نیازهایش را برطرف کند. این تعامل از خانواده شروع و سپس به خویشاوندی و بعد از آن به دیگر افراد جامعه سرایت می‌کند. از آنجایی که پیش‌گیری از رفتارهای مجرمانه در فهرست وظایف انبیاء و پیشوایان دینی قرار می‌گیرد، همواره پیش‌گیری از وقوع جرائم و انحرافات در نظام اجتماعی اسلام مقدم بر اصلاح مجرم بوده است؛ در قرآن کریم و روایات معصومین بهترین شیوه‌ها برای پیش‌گیری از جرائم و مفسدات اجتماعی معرفی شده است.

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با تأکید بر شیوه اجتهاد به‌دنبال بررسی این سؤال است که با محوریت آیات و روایات، خانواده چگونه بر اساس الگوی رفع نیاز از ارتکاب جرائم و انحرافات جلوگیری می‌کند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در آموزه‌های دین اسلام، مجموعه‌ای از لایه‌های کنترلی در پیش‌گیری از جرائم و انحرافات وجود دارد که قبل از لایه حکومت و مقدم بر آن است. این لایه‌ها عبارتند از: لایه فرد، خانواده، خویشاوندی، همسایگی، اخوت و برادری ایمانی که از طریق دو رویکرد مهم حمایتی (رفع نیاز از طریق مشروع) و حفاظتی (جلوگیری از ارضای نیازها به صورت نامشروع) نقش مهمی در پیش‌گیری از جرائم و انحرافات ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

خانواده، پیش‌گیری، جرم، انحراف.

۱. مقدمه

از آنجایی که رسالت دین، هدایت و راهنمایی انسان‌ها و بیرون‌راندن آن‌ها از گمراهی و فتنه‌ها است، پیشوایان دینی به لحاظ وظیفه‌ای که خداوند بر عهده آنان گذاشته، کوشش کردند تا به این مهم دست یابند. به همین دلیل است که پیش‌گیری از انحراف و رفتارهای مجرمانه در فهرست وظایف انبیاء و پیشوایان دینی قرار گرفته است. همواره پیش‌گیری از وقوع جرائم و انحرافات در نظام اجتماعی اسلام مقدم بر اصلاح مجرم بوده و بر این اساس، دارای مبنایی عقلایی است. اگر اقدامات لازم در جهت پیش‌گیری از جرم صورت نگیرد، این وضعیت موجب افزایش جرائم و انحرافات در جامعه شده که بعدها مانعی برای جلوگیری از توسعه آن نمی‌توان یافت (نعمت‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۷).

دین مبین اسلام از همان ابتدای تشریح یعنی حدود ۱۴۰۰ سال قبل، در مواجهه با جرائم و انحرافات، لایه‌های دیگری را نیز در کنار لایه حکومت و ابزار مجازات پیش‌بینی کرده است؛ ولی چون آن لایه‌ها مورد دقت و عنایت لازم قرار نگرفته‌اند؛ برای ترسیم سیاست جنایی کشور ایران، به نقش آن‌ها کمتر توجه شده است؛ بنابراین، در هنگام بررسی نحوه واکنش دین در برخورد با جرائم و انحرافات، تنها مراجعه به ابواب فقهی حدود و قصاص و دیات کافی نیست؛ چون آنچه در این‌باره آورده شده است، همگی مربوط به لایه حکومت است؛ یعنی جایی که فردی مرتکب جرمی شده و جرمش به اثبات رسیده و اکنون باید به مجازات برسد. در حالی که در دین اسلام، مجموعه‌ای از لایه‌های کنترلی با دو رویکرد حمایتی و حفاظتی در پیش‌گیری و مقابله با جرائم و انحرافات اجتماعی وجود دارد که باید در کنار ابواب فقهی به معنای مصطلح، در آیات و روایات غیرفقهی نیز آن‌ها را جست‌وجو کرد. این لایه‌ها عبارتند از: لایه فرد، لایه خانواده، لایه خویشاوندی، لایه همسایگی، لایه اخوت و برادری ایمانی و در نهایت لایه حکومت.

فرآیند اجتماعی شدن کودک از خانواده شروع می‌شود. تصویری که فرد از خود و از جهان پیرامون و از افراد پیرامون خود دارد، نتیجه بازتاب احساسی است که اعضای خانواده نسبت به او دارند و کودکان به‌طور مستقیم تحت تأثیر وجهه نظر و باورهای خانواده‌هایشان هستند. ارزش‌هایی که فرد می‌پذیرد و نقش‌های مختلفی را که از او انتظار می‌رود، در بدو امر، در درون شبکه روابط خانوادگی آموخته می‌شود و کودک آن‌ها را

فرا می‌گیرد (کوئن، ۱۳۸۱: ۱۱۰). خانواده، به‌عنوان دومین لایه کنترلی بعد از لایه فرد، می‌تواند هم نقش حمایت‌کننده در رفع نیاز پیدا شده برای فرد و هم نقش حفاظت‌کننده برای پیش‌گیری از جرائم و انحرافات او داشته باشد. در قرآن و روایات اسلامی به اهمیت تشکیل خانواده و روابط دوستانه بین اعضای خانواده تأکید فراوان شده است. سؤالی که در این مقاله مطرح است این است که با محوریت آیات و روایات، خانواده چگونه بر اساس الگوی رفع نیاز، از ارتکاب جرائم و انحرافات جلوگیری می‌کند؟

هدف این مقاله، بررسی آیات و روایات مربوط به خانواده و نقشی که می‌تواند در پیش‌گیری از جرائم و انحرافات داشته باشد، بر اساس الگوی رفع نیاز است. روش مورد استفاده برای دستیابی به پاسخ، روش توصیفی - تحلیلی با تأکید به شیوه اجتهاد است.

۲. تعریف مفاهیم

«پیش‌گیری» در لغت به معنای عمل پیش‌گیر، دفع و جلوگیری، مانع‌گشتن، منع کردن و به نگهداری برخاستن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۹۹۱). ریموند گسن، معتقد است: پیش‌گیری دارای دو معنای رایج لغوی است: یکی جلوگیری نمودن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن و دیگری، آگاه کردن و هشدار دادن است. اما در جرم‌شناسی، پیش‌گیری در همان معنای اول مورد استفاده قرار گرفته است؛ یعنی یکی از تکنیک‌هایی است که به منظور ممانعت از وقوع جرم صورت می‌گیرد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳).

«جرم» در لغت به معنای گناه، ذنب، تعدی، عصیان، کار ناشایست و مانند آن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۶۵۷). راغب اصفهانی گفته است: «جرم در اصل به معنی کندن و چیدن میوه از درخت است. این واژه، به‌طور استعاره برای ارتکاب زشتی و انجام و کسب گناه به کار می‌رود» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۹۱). در قرآن نیز در آیات متعددی واژه جرم و مشتقاتش به کار رفته است. معنای مشهور جرم که از آیات قرآن فهمیده می‌شود، جرم (به ضمّ اول) به معنی گناه است و گناه را به این جهت سبب جرم گویند که باعث جدایی شخص از سعادت و رحمت خدا می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۹). ماده ۲ قانون مجازات اسلامی «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است»، را جرم دانسته است.

در لغت‌نامه دهخدا، «انحراف» به معنای میل کردن و انحراف‌ورزیدن از راه، گمراه‌شدن و بی‌راه‌شدن، روی‌گردان‌شدن، عصیان‌کردن و یاغی‌شدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۴۸۳). در جرم‌شناسی، منظور از منحرف، «فردی است که با رفتار، افکار و گفتار خود، از مدل‌ها و هنجارهای شاخص گروه متبوع خود - یعنی گروهی که او را به استناد همین هنجارها محاکمه می‌کند - فاصله می‌گیرد و دور می‌شود. منحرف با اکثریت اعضاء گروه اجتماعی که هم‌نوا با هنجارهای آن هستند، مخالفت می‌ورزد ولی، با این وجود، بزه‌کار نیست. هر گروه دارای مقداری حاشیه‌گذشت و مدارا است، اما زمانی که فرد از بعضی محدوده‌ها و خطوط متغیر گروه عبور کرد، به عنوان منحرف، طرد می‌شود. در این صورت است که چنین فردی ممکن است به بزه‌کار تبدیل شود. مفهوم انحراف، ممکن است نامشخص بنماید، ولی به روشنی بیانگر وجود تعارض معنادار میان فرد و گروه است که اوج آن ممکن است ارتکاب عمل مجرمانه باشد» (پیکا، ۱۳۹۳: ۳۶).

«نیاز» در لغت، به معنای حاجت و احتیاج است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۹۲۴). در برخی از نوشته‌ها، نیاز مترادف است با انگیزه^۴، خواست^۵، تمایل و آرزو^۶. همچنین نیاز، به نیروی ذهنی اطلاق می‌شود که موجب سرزدن رفتار خاص، برای رفع نیاز پیدا شده می‌باشد (رحیمی‌نیک، ۱۳۷۴: ۹).

اکثر جرائمی که در اجتماع اتفاق می‌افتد، یا برای رفع یک نیاز است یا حل یک مشکل، که بازگشت مشکلات نیز به عدم رفع یک نیاز برمی‌گردد. مثلاً نیاز مالی، یکی از نیازهای مهمی است که اگر شخص نتواند آن را از طریق مشروع به دست آورد، دست به ارتکاب جرائم مالی مانند سرقت می‌زند. یا نیاز جنسی، که اگر فرد امکانات لازم برای ارضای نیازش را نداشته باشد، دست به اعمال منافی عفت می‌زند. گاه نیز اتفاق می‌افتد که افراد با وجود داشتن امکانات اولیه زندگی، باز هم برای آسایش بیشتر و رفع نیازهای غیر ضروری، دست به اعمال مجرمانه می‌زنند؛ لذا از این جهت می‌توان نیازها را به دو دسته تقسیم کرد: نیازهای واقعی و نیازهای کاذب. برخی نیاز را چنین تعریف کرده‌اند: «حالت یا

4. Motive

5. Want

6. Desir

وضعیتی که اگر برآورده شود، به ارگانسیم کمک خواهد کرد. نیاز، ممکن است چیزی اساسی و زیست‌شناختی (مثل غذا)، یا مربوط به عوامل اجتماعی و شخصی بوده و از فرم‌های پیچیده یادگیری ناشی شود (مثل پیشرفت و اعتبار) و یا یک حالت درونی ارگانسیم که حاکی از شرایط محرومیت است» (پورافکاری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۹۷۵). دین اسلام درباره هر کدام از نیازها رویکرد خاصی را اتخاذ کرده است.

دین بیان می‌دارد که در لایه فرد، شخص در ارضای نیازهایش بایستی دارای دو ویژگی باشد: ۱- توانا باشد ۲- مقاوم باشد؛ یعنی اگر شخصی دارای نیازهایی است، باید توان رفع آن نیازهایش را داشته باشد و اگر توان رفع نیازهایش را نداشته باشد، حداقل در برابر نیازهایش مقاومت کند. با نداشتن هر یک از این دو ویژگی، زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات فراهم می‌شود. از سوی دیگر، خانواده به‌عنوان دومین لایه کنترلی، نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت مجرم یا هر یک از اعضای خانواده ایفا می‌کند.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد هنگامی که عمل طبیعی خانواده با بروز فسادی مختل می‌شود، بعد از مدتی شاهد بروز بزه کاری از سوی افراد (به‌خصوص اطفال) می‌باشیم (گسن، ۱۳۷۴: ۱۲۳). مازلو، که هرم ترسیم شده توسط او درباره نیاز بسیار معروف است، معتقد است که نیازهای آدمی دارای یک سلسله‌مراتب است، که افراد متناسب با نیازهایی که دارند، رفتار خاصی از خود نشان می‌دهند. هنگامی که فرد شروع به رفع و ارضای نیازهای خود می‌کند، انگیزش فرد دچار تغییر و تحول خواهد شد؛ به این شکل که به جای نیازهای قبلی، نیازهای جدیدی برای وی دارای اهمیت و محرک رفتار خواهد شد. نیازها به همین ترتیب تا پایان سلسله‌مراتب نیازها اوج گرفته و بعد از ارضاء، فروکش می‌کند و نوبت به نیاز بعدی می‌رسد (Maslow, A.H. 1987: 56).

در این نظریه، نیازهای انسان به پنج طبقه تقسیم می‌شوند که به ترتیب عبارتند از:

۱. نیازهای زیستی؛ مانند: خوراک، پوشاک، مسکن و غریزه جنسی، که ارضای این گونه نیازها بیشترین تأثیر را در رفتار فرد می‌گذارد.
۲. نیازهای امنیتی؛ شامل هرگونه نیازی می‌شود که موجب حفاظت شخص در زمان حال و آینده می‌شود؛ مانند: نیاز به رهایی از وحشت، تأمین جانی و مالی و عدم محرومیت از نیازهای اساسی.

۳. نیازهای اجتماعی: یا احساس تعلق و محبت؛
۴. نیاز به احترام؛ ابتدا این احترام نسبت به خود است و سپس دیگران. با احترام گذاشتن به فرد بایستی برای وی قدر و منزلت قائل شد.
۵. نیاز خودشکوفایی؛ یعنی شکوفاشدن تمامی استعدادهای پنهانی انسان (ibid.: 16-22).
- از دیدگاه اسلام، نیازها به دو دسته نیازهای واقعی و کاذب تقسیم می‌شوند:
- نیاز واقعی: با توجه به آموزه‌های اسلامی، انسان فقیر بالذات است (سوره فاطر: ۱۵) و چنین فقری که انسان را وجوداً متکی به خدا می‌کند، عین فخر است (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۳۹؛ حلی، ۱۴۰۷: ۱۲۳) و همین فقر، سبب بالندگی انسان می‌شود. این آیه بیان می‌دارد که انسان‌ها وجود مستقل از خود ندارند، بلکه همواره متکی به وجود بالا و نیروی مافوق‌الطبیعه هستند؛ لذا فقر انسان را می‌توان در دو بعد مورد بررسی قرار داد: ۱- فقر معنوی ۲- فقر مادی.
- فقر معنوی انسان از طریق سیر و سلوک الی‌الله رفع می‌شود. انسان‌ها بیش از نیازهای مادی، دارای یک‌سری نیازهای معنوی هستند که بایستی آن‌ها را تأمین کنند؛ مانند نیاز به عبودیت که نقش تأثیرگذاری در نحوه نگرش فرد نسبت به جامعه و رفتار فرد با اطرافیان خود دارد. هنگامی که این نیاز به‌درستی رفع شود و شخص از نظر دینی به درجه‌ای از عبودیت و بندگی برسد با این اعتقاد که زندگی دنیا ارزش ندارد، دیگر برای اندک نیازی مرتکب جرم و انحراف نمی‌گردد. آیه ۱۸ سوره اسراء درباره بی‌ارزشی زندگی دنیا وارد شده است. لذا می‌توان گفت؛ تعارضات هنگامی باعث انحراف می‌شوند که مخالف با الگوهای پذیرفته‌شده، خواه دینی و یا قراردادی باشند.
- انسان علاوه بر فقر معنوی، دارای فقر مادی نیز هست. به همین دلیل است که خداوند در آیاتی از قرآن کریم انسان را به گردش در زمین برای برآوردن نیاز دنیوی و کسب اجر اخروی سفارش کرده است (سوره ملک: ۱۵).
- در قرآن، آیات بسیاری درباره تأمین نیازهای واقعی انسان وارد شده است؛ چنان‌که آمده است: «و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن، وسایل معیشت نهادیم، [اما] چه کم سپاس‌گزاری می‌کنید» (سوره اعراف: ۱۰). خداوند تمامی امکانات لازم برای دوام زندگی از جمله سکونت در زمین و تسلط و برتری بر آن را در اختیار انسان نهاده است و منظور از «مَعَايشَ» همان خوردنی و آشامیدنی‌ها و همه آن چیزی است که

گذران زندگی بدون آن‌ها امکان‌پذیر نیست (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۲). همچنین، خداوند در آیه ۲۲ سوره فرقان امکانات لازم برای تأمین نیازهای واقعی انسان را بیان داشته است. به عبارت دیگر، منظور از «معایش» همان نیازهای واقعی و فطری انسان است که زندگی کردن بدون تأمین این گونه از نیازها، امکان‌پذیر نیست. خداوند در این دو آیه، همه نعمت‌هایی که انسان‌ها برای گذران زندگی به آن‌ها نیاز دارند را بیان کرده است و شیوه به‌دست آوردن آن‌را نیز به انسان نشان داده و او را بر زمین مسلط کرده است تا درصدد رفع نیازهای خود از طریق مشروع باشند؛ لذا رفتن به سراغ راه‌های نامشروع برای رفع نیاز، به‌معنای تخلف از دستور الهی و ارتکاب جرائم و انحرافات است.

امام صادق علیه السلام نیازهای واقعی انسان را چنین بیان کرده است: «سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰) ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «پنج چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را نداشته باشد، همواره در زندگی‌اش کمبود دارد و کم‌خرد و دل‌نگران است: اول، تندرستی؛ دوم، امنیت؛ سوم، روزی فراوان؛ چهارم، همراهِ هم‌رأی. راوی پرسید: همراهِ هم‌رأی کیست؟ امام فرمودند: همسر و فرزند و همنشین خوب و پنجم که در برگیرنده همه این‌هاست، رفاه و آسایش است (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۸۴).

نیازهای کاذب: درباره نیازهای کاذب نیز آیات بسیاری در قرآن ذکر شده است؛ به‌عنوان مثال: آیات ۵۰ سوره قصص، ۲۸ سوره کهف و ۷۱ سوره مؤمنون درباره پیروی نکردن از هواهای نفسانی آمده است. مراد از هوس در آیات، همان خواسته‌های کاذب انسان است و اثر طبیعی آن‌ها، تباهی آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آن‌هاست (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۲: ۱۱۶). از آن‌جایی که خداوند در آیه ۴۱ سوره روم می‌فرماید: این فساد که ظاهر در زمین است، به‌خاطر اعمال مردم است؛ لذا اکثر اعمال خلافی که در جامعه اتفاق می‌افتد، به‌دلیل برآورده کردن بعضی نیازهای غیرضروری و کاذب توسط افراد است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: اگر انسان به‌دنبال اصلاح نفس خود باشد، خوش‌بخت می‌شود و اگر نفس خود را در راستای ارضای نیازهای کاذب خود که باعث لذت‌های زودگذر می‌شود به کار گیرد، سبب دورشدن از درگاه الهی می‌شود (محمدی‌ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۵:

۱۳۰۳). به دست آوردن لذت‌ها در این جا اشاره به تلاش برای رفع نیازهای کاذب دارد. لذا نیازهای کاذب، به مجموعه نیازهایی اطلاق می‌شود که ریشه در فطرت انسان و شکوفاشدن استعدادها نداشته، بلکه ریشه در زیاده‌خواهی و نداشتن قناعت دارد. تأمین این گونه نیازها، سبب فساد کلی جهان هستی از جمله خود انسان شده و زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات را در وی تقویت می‌کند.

۳. اقسام نیازهای قابل ارضا در نهاد خانواده

درباره اهمیت خانواده آیات و روایات بسیاری وجود دارد که در هر یک از آنها به یکی از نقش‌های مهم خانواده پرداخته شده است. در ادامه براساس آیات و روایات، اقسام نیازهایی که نهاد خانواده آنها را تأمین کرده و بدین ترتیب، از ارتکاب جرائم و انحرافات جلوگیری می‌نماید، بررسی می‌شود.

۱-۳. نیاز زیستی

۱-۱-۳. نیاز جنسی

از مهم‌ترین نیازهای زیستی، نیاز جنسی است. نیاز جنسی، یکی از نیازهای غیرقابل اجتنابی است که در همه افراد بشر وجود دارد و برای ارضای این نیاز، دو راه در پیش روی انسان نهاده شده است: یکی، راه صحیحی است که از طریق ازدواج - که مورد تأکید اسلام قرار گرفته است - برآورده می‌شود و دیگری، راه‌های نامشروع، که علاوه بر این که شخص مرتکب فعل حرامی شده، در برخی موارد، در صورت تحقق شرایط، مجازات نیز می‌گردد. به همین دلیل است که اسلام به اهمیت تشکیل خانواده و نقشی که می‌تواند در جلوگیری از فسادهای اخلاقی در جامعه داشته باشد، تأکید فراوان کرده است. گزینه جنسی، نیرویی است که در زن و مرد قرار داده شده و ازدواج، وسیله‌ای مجاز برای اطفای نیروی شهوت و پاسخ به این غریزه خدادادی است. با اشباع غریزه جنسی در زن و مرد، زمینه گناهان شهوت‌انگیز از میان می‌رود. لذا می‌توان گفت؛ یکی از آثار ازدواج برای زن و مرد، ایجاد زمینه تقوا و دوری از گناهان است.

ازدواج باعث جلوگیری از فساد اخلاقی و اجتماعی می‌شود و مستند آن آیات و

روایاتی است که در این باره بیان شده است. در آیه ۱۴ سوره آل عمران، شهوات گوناگونی که انسان‌ها به آن‌ها علاقه‌مند هستند، بیان شده است که در میان این شهوات، علاقه به زن مقدم شمرده شده است. همچنین آیه ۱۸۷ سوره بقره بیان می‌کند که زنان و مردان نسبت به یکدیگر به عنوان «لباس» هستند. بر اساس نظر علامه طباطبائی، منظور از کلمه لباس در این آیه، در همان معنای معروفش، یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند، به کار رفته است؛ زیرا زن و شوهر، طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه‌دادن آن در بین افراد نوع بشر باز می‌دارند؛ پس در حقیقت، مرد، لباس زن است و زن، ساتر (پوشاننده) مرد است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۴).

علاوه بر آیاتی که بیان کردیم، روایاتی نیز در اهمیت ازدواج وارد شده است. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هیچ جوانی نیست که در نوجوانی ازدواج کند، مگر آن که شیطان فریاد برآورد: «ای وای بر من! دو سوم دینش را از گزند من نگه داشت. پس، بنده باید در یک سوم دیگر دینش، پروای خدا پیشه کند» (کوفی، بی تا: ۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۲۲۱، ح ۳۴). از آن جایی که نوجوان در سن بلوغ با تغییرات جسمی و فیزیولوژیک روبه‌رو است، این تغییرات موجب افزایش میل جنسی در وی می‌شود و برای تأمین این نیاز، ازدواج کردن بهترین حربه برای مقابله با آن محسوب می‌شود. در غیر این صورت؛ یعنی زمانی که شخص راه مشروعی برای ارضای نیازهایش نداشته باشد، به راه‌های نامشروع روی آورد.

علاوه بر این، برخی از روایات به صراحت به نقش حمایتی خانواده پرداخته است. به عنوان مثال در دین اسلام، پدران وظایفی در ارتباط با فرزندان برعهده دارند که همان ادای حقوقی است که فرزندان بر گردن پدران دارند. از حقوق فرزند بر پدر، تشکیل خانواده برای فرزند است. امام علی علیه السلام درباره حق فرزند بر پدر فرمودند: «از حق فرزند بر پدرش این سه حق است: نام نیک برای او بگذارد و به او نوشتن یاد دهد و زمانی که بالغ شد او را به ازدواج برساند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۴۸۲). در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ازدواج فرمودند: «ازدواج کنید و زمینه ازدواج دیگران را فراهم کنید! هیچ چیزی در پیشگاه خداوند محبوب‌تر از خانه‌ای که در اسلام با ازدواج عمران و آباد گردد، نیست» (همو، ۱۴۱۲، ج ۷: ۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۲۸).

هنگامی که شخص نتواند از راه‌های مشروع نیاز جنسی‌اش را برطرف کند، به دنبال

رفع نیاز خود از راه‌های نامشروع می‌رود که این خود، سبب بروز مشکلاتی در فرد و سپس بروز جرائمی در جامعه می‌شود؛ از جمله مشکلات ایجاد شده: افزایش اعمال منافی عفت، تجاوز به عنف، تجاوز به کودکان، همجنس‌بازی و... است. برای حل این مشکلات لازم است ابتدا فرد خود را توانا سازد و تمام تلاش خویش را به کار گیرد؛ از جمله این که با داشتن شغل مناسب از نظر مالی تأمین شود تا بتواند زمینه ازدواج را برای خود فراهم آورد. اما ممکن است با وجود تلاش فرد، باز هم زمینه ازدواج برای وی فراهم نشود، در این صورت است که نقش حفاظتی خانواده آشکار می‌شود. خانواده بایستی به کمک جوان بشتابد و امکانات لازم را برای ازدواج او فراهم آورد. گاهی مواقع پیش می‌آید که جوان خودشان قدرت بر تأمین هزینه‌های ازدواج دارد، اما خانواده با این امر مخالفت می‌کند و یا بالعکس، در حالی که هم خانواده باید در امر تسهیل ازدواج جوان تمام تلاش خود را به کار گیرد و هم جوانان زمانی که بستر ازدواج برای آنها فراهم است، از این امر روی گردانی نکنند؛ زیرا ازدواج به موقع، زمینه بروز بسیاری از جرائم، از جمله جرائم جنسی را کاهش داده یا حتی از بین می‌برد. بنابراین، نقش اصلاح درونی و تقویت نهاد خانواده در این مسئله بسیار مهم است.

۲-۱-۳. نیاز مالی

از مهم‌ترین عواملی که سبب ارتکاب جرائم و انحرافات در جامعه می‌شود، مشکلات اقتصادی، فقر و بیکاری است و از آنجایی که این عوامل به معنای عدم رفع نیاز مالی از طریق مشروع است، ممکن است افراد برای رفع این نیاز، دست به اعمال مجرمانه متعددی همچون سرقت و حتی آدم‌ربایی و قتل بزنند. لذا هنگامی که فرد قادر به رفع نیاز خود نباشد. بایستی سایر نهادهای اجتماعی، به وظیفه خود در رفع این نیاز عمل کنند.

در شریعت اسلامی، خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود و افراد آن حقوق و تکالیف متقابلی در برابر یکدیگر دارند. یکی از این تکالیف مهم، نفقه و تأمین هزینه‌های لازم (خوراک، پوشاک، مسکن) برای حفظ حیات سالم و آبرومند اعضای خانواده است. در نظام حقوقی اسلام، وظیفه تأمین مخارج خانواده بر عهده شوهر بوده و او مکلف است نفقه زن را پرداخت کند؛ البته در صورت وجود فرزند، مخارج او را نیز باید

تأمین کند. از آنجایی که نیازهای مادی یکی از نیازهای مهم بشر محسوب می‌شود، اسلام برای ارضای این نیاز، ضوابط خاصی را قرار داده است که عدول از آن، به منزله خروج از مسیر حق است و سبب ارتکاب جرم از سوی فرد می‌شود. لذا شوهر می‌تواند با پرداخت نفقه و مهریه از خانواده خود حمایت مالی کرده و از ارتکاب جرائم و انحرافات توسط آنان جلوگیری نماید.

آیاتی از قرآن کریم به موضوع نفقه و تأمین هزینه‌های زندگی توسط شوهر پرداخته است. در آیه ۳۴ سوره نساء، مردان به سبب برتری‌هایی که خداوند برای آن‌ها قرار داده است و به خاطر پرداخت نفقه به زنان، به‌عنوان سرپرست زنان معرفی شده‌اند. در این آیه، یکی از علل برتری مردان بر زنان، پرداخت مهر و نفقه بیان شده است (طبرسی، بی‌تا، ج ۵: ۱۳۵؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۴۳). همچنین در روایاتی نیز به پرداخت نفقه تأکید شده است: شیخ صدوق رحمته‌الله در خصال با سند خود از حریر نقل می‌کند که به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: «آن کسی که مجبور بدان می‌شوم و نفقه او بر من لازم می‌شود، کیست؟ حضرت فرمود: والدین (پدر و مادر)، فرزند و همسر» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۵۲۵).

در میان فقهای شیعه نیز حکم وجوب نفقه زن بر مرد، امری اجماعی و متفق‌علیه به شمار رفته است (نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ۳۰۳ و ۳۰۴؛ مکی‌العاملی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۹۴). همچنین نفقه فرزند و پدر و مادر در صورت نیاز واجب دانسته شده است (همان: ۹۶).

با توجه به آیات و روایات بیان‌شده و عبارات فقها درباره پرداخت نفقه زوجه و فرزندان و همچنین نفقه پدر و مادر - در صورت نیاز که جزء حقوق واجب آن‌ها محسوب می‌شود - اگر این وظیفه به درستی انجام نشود و هر یک از اعضا، توان برآورده کردن نیازهای‌شان را نداشته باشند، ممکن است برای حل مشکلات خود دست به اقداماتی زده و زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات از سوی آن‌ها فراهم شود؛ زیرا فقر و مشکلات اقتصادی، زمینه بروز جرائم بسیاری مانند: سرقت، محاربه، خودفروشی و ... را فراهم می‌آورد. چنانچه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از عوامل کفر در جوامع را فقر و تنگدستی می‌داند؛ «کاد الفقر ان یکون کفراً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۷).

در صورت تأمین نیازهای مالی خانواده توسط شوهر، زمینه ارتکاب جرائم مالی در خانواده از بین می‌رود؛ البته اگر مرد به هر علتی از تأمین هزینه زندگی ناتوان باشد، حمایت

و حفاظت از کیان خانواده برعهده لایه‌های دیگر (خویشاوندی، همسایگی، اخوت و برادری ایمانی و حکومت) است و از نظر فقهی نیز تحت پوشش واجبات یا مستحبات مالی فقهی مانند: زکات و خمس و صدقات قرار می‌گیرد (مکی‌العالمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۹۶ و ۱۰۰).

۳-۲. نیازهای عاطفی

۳-۲-۱. نیاز عاطفی بین زوجین

از بناهای پُراهمیت اجتماع، ازدواج و تشکیل خانواده است. از آن‌جا که دین اسلام دارای نظام خانوادگی بسیار کاملی است، موضوع محبت و صمیمیت بین اعضای خانواده را اساس و ریشه سعادت خانوادگی دانسته است. صمیمیت میان اعضای خانواده، انسان را در عرصه ازدواج به آرامش و تکامل می‌رساند. هنگامی که روابط عاطفی میان اعضای خانواده از بین برود، هر یک از اعضای خانواده ممکن است برای دوری از تنش‌های خانوادگی، به کانونی غیر از خانواده روی آورند که زمینه‌ساز جرائم و انحرافات متعددی خواهد شد.

خداوند در آیه ۲۱ سوره روم، هدف از ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است؛ نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. برخی از مفسران، برخلاف نظر علامه طباطبائی که قبلاً بیان شد، مقصود از لباس را، سکون و آرامش دانسته‌اند؛ «عبارت لباس در آیه «وَجَعَلْنَا لِبِئْسَ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبِئْسَ لِهِنَّ» نیز به سکون و آرامشی که با همسر حاصل می‌شود، اشاره خواهد داشت؛ یعنی آنان (سبب) آرامش‌اند برای شما و شما نیز آرامش [هستید] برای آن‌ها؛ همان‌طور که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبِئْسَ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبِئْسَ لِهِنَّ» یعنی شب را آرامش برای شما قرار دادیم و معنایش این است که شما با زنان با آرامش زندگی می‌کنید و بسیار کم اتفاق می‌افتد که زن و مرد بدون یکدیگر، آرامش و آسایشی داشته باشند» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲: ۲۲۱).

بر این اساس قرآن، مهم‌ترین حکمت ازدواج را، ایجاد آرامش روانی بین اعضای خانواده می‌داند؛ زیرا هنگامی که آرامش روانی در خانواده برقرار نباشد، نمی‌توان از انسان انتظار تقوا داشت و بدون آرامش روانی نه تنها نسل سالم و صالح پدید نمی‌آید، بلکه باعث افزایش ناسازگاری‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود و خانواده نمی‌تواند در این زمان از

ورود اعضای خود به این وادی حفاظت نماید.

در روایتی از امام زین‌العابدین علیه السلام آمده است: «حقّ همسر این است که بدانی خدای عزوجل، او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و بدانی که این، خود نعمتی است از جانب خداوند عزوجل به تو. پس، او را گرامی بداری و با او مهربان باشی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۵، ح ۱). برخی از پژوهش‌های میدانی انجام‌شده در جوامع دیگر، نشان می‌دهند که اضطراب روانی و عدم تعادل روحی، نقش مهمی در فسادهای اخلاقی و اجتماعی دارد و بیشتر جنایات و خودکشی‌ها در میان افراد مجرد و به دست آنها صورت می‌گیرد. براساس برخی از پژوهش‌ها، میزان ارتکاب جرائم و خطر آفرینی در سال‌های نوجوانی و جوانی (پیش از ازدواج) بیش از دیگر سنین است (تایلر، ۱۳۷۶: ۱۷). همچنین، هنگامی که روابط بین زوجین خشونت‌آمیز شود و آرامش روانی در خانواده از بین برود، یکی از پیامدهای آن، طلاق است که خود از عوامل مهم اضطراب و تنش است و سبب نابسامانی در کانون خانواده می‌شود و در تمام مراحل زندگی فرزندان، تأثیر منفی دارد؛ به‌طوری که از نگاه برخی، ۳۰ تا ۶۰ درصد نوجوانان بزه‌کار در خانواده‌هایی که میان پدر و مادر جدایی واقع شده یا اختلاف بوده، پرورش یافته‌اند (کی‌نیا، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۱۲).

در کنار بحث از اهمیت ازدواج، باید از نهی از طلاق نیز سخن گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند خانه‌ای را که در آن مراسم عروسی باشد، دوست می‌دارد و خانه‌ای را که در آن طلاق باشد، دشمن می‌دارد و هیچ چیزی در پیشگاه خداوند، منفورتر از طلاق نیست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۲۸). با جداشدن زن و مرد از یکدیگر و فروپاشی خانواده، دیگر خانواده‌ای باقی نخواهد ماند که بتوانند با دو رویکرد حمایتی و حفاظتی از ارتکاب جرم توسط اعضای آن جلوگیری کنند؛ البته نباید فراموش کرد که در برخی موارد، طلاق آخرین راه‌حل است و شاید هم ضروری باشد. طلاق‌نگرفتن و تحمل اجباری زندگی، ممکن است خود عامل ارتکاب برخی از جرائم و انحرافات گردد.

خداوند در آیه ۳۵ سوره نساء برای جلوگیری از طلاق می‌فرماید: «اگر نشانه‌های اختلاف و جدایی در میان زوجین پیدا شد، برای بررسی علل و جهات ناسازگاری و فراهم‌شدن مقدمات صلح و سازش، یک نفر حکم و داور از فامیل مرد و یک نفر از وابستگان زن، انتخاب کنید؛ اگر این دو حکم با حسن‌نیت و دل‌سوزی وارد کار شوند و

هدف‌شان اصلاح بین آن دو همسر باشد، خداوند [در این صورت چه‌بسا] به وسیله آنان سازگاری بین آن دو (زن و شوهر) فراهم آورد و آن‌ها را به یکدیگر نزدیک گرداند [و خانواده از انحلال نجات یابد]». پس باید دو داور برگزیده شوند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۴۷).

۲-۲-۳. نیاز فرزند به محبت

اگر فرد از شناخت لازم و کافی برخوردار باشد، اما از جهت عواطف و احساسات، ارضا نشده باشد، مثلاً دچار کمبود محبت والدین باشد، همین مسئله می‌تواند زمینه انحراف وی را فراهم آورد. از این‌رو، در اسلام نسبت به محبت و مهرورزی به کودکان بسیار سفارش شده است. به طوری که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «به کودکان خود محبت کنید و نسبت به آنها مهربان باشید و هنگامی که به آنها وعده دادید، به وعده خویش عمل کنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۹؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۸۳).

محبت و مهربانی به کودکان، علاوه بر تحکیم نهاد خانواده، باعث می‌شود که کودک، خانواده را کانون امنی برای خود بداند و به‌دنبال جستجوی محبت در خارج از خانواده نباشد؛ زیرا زمینه ایجاد دوستی‌های خطرناک که باعث انحراف کودک و گاهی وقوع جرم از طرف وی می‌شود، فراهم می‌آید؛ خانواده با این رویکرد حفاظتی، نقش مهمی در پیش‌گیری از جرائم و انحرافات ایفا می‌کند؛ زیرا در بسیاری از موارد کودکان و نوجوانان بزه‌کار، عادات ناپسند خود را از پدر و مادر و یا دوستان و افراد منحرفی که با آنان در ارتباط هستند، فرا می‌گیرند و از باب عنوان تقلید دست به کارهای خلاف می‌زنند.

باید توجه داشت، همان‌گونه که کمبود محبت می‌تواند زمینه انحراف اعضای خانواده را فراهم کند، زیاده‌روی و افراط در محبت نیز می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. بنابراین محبت باید عاقلانه، منطقی و در حد اعتدال باشد تا مصلحت فرد را تأمین نماید. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «بهترین مردان امت من کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن نباشند و اهانت نکنند و دلسوزشان باشند و به آنان ظلم نکنند» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۲۱۶).

در باب شیوه پیش‌گیری از جرائم، اسلام ضمن برشمردن تأثیر محبت در تربیت فرزندان تأکید دارد که با سخت‌گیری نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود؛ زیرا انسان موجودی نیست که با خشونت و سخت‌گیری تربیت شود. دسته‌ای از پژوهش‌های جرم‌شناسان نشان

می‌دهد که خطرناک‌ترین مجرمان کسانی هستند که در دوران کودکی طعم محبت را از پدر و مادر خود نچشیده‌اند (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۶۱). از این‌رو، تشکیل خانواده سالم می‌تواند نقشی اساسی در آرامش روانی و سازندگی اجتماعی ایفا نماید و این، رمز تأکید قرآن و احادیث اسلامی بر تشکیل خانواده و تحکیم آن و پیش‌گیری از فروپاشی این کانون مقدّس است.

بر اساس مجموع آموزه‌های دینی، هنگامی که فرزندان مرتکب جرمی شدند، اسلام برای مقابله و واکنش نسبت به جرم صورت گرفته، تنها به دنبال برخورد حکومتی نمی‌رود، بلکه خانواده می‌تواند نقش مقابله‌ای با جرم داشته باشند. حتی بر اساس برخی از روایات، ولی طفل، حق تربیت و ادب کردن فرد نابالغ برای جلوگیری از منکرات را دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یتیم را همانند فرزند ادب کن، و آن‌گونه که فرزندت را تنبیه بدنی می‌کنی، او را نیز تنبیه کن» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۱۱). هنگامی که فرزندان مرتکب انحرافی شوند، خانواده در صورت لزوم با اقدامات تنبیهی فرزندان از ورود دوباره آنان به وادی جرائم و انحرافات حفاظت می‌کنند.

۳-۳. نیاز به احترام

۳-۳-۱. احترام در بین زوجین

احترام در بین افراد جوامع و به‌خصوص در میان اعضای خانواده (در روابط بین زوجین و روابط آن‌ها با فرزندان) نقش بسیار مهمی در سلامت رفتار اشخاص ایفا می‌کند. کم‌رنگ شدن احترام در میان اعضای خانواده و استفاده از کلمات رکیک، باعث سرد شدن روابط زوجین و از بین رفتن شخصیت آن‌ها و دور شدن آن‌ها از کانون گرم خانواده می‌شود و در نتیجه؛ زمینه بروز مفاسد مختلف فراهم می‌شود. لذا کرامت و بزرگواری از عوامل مهم در سلامت رفتاری محسوب می‌شود. امام باقر علیه السلام در اهمیت احترام به همسر می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما نزد خدا، کسی است که بیشتر به همسر خود احترام بگذارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۵۸). امام سجاد علیه السلام نیز می‌فرماید: «حق زن این است که بدانی خداوند عزّوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی از جانب اوست، پس

احترامش کن و با او مدارا نما، هر چند حق تو بر او واجب تر است اما این حق اوست که با او مهربان باشی» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۲۱، ح ۳۲۱۴).

احترام میان زوجین و حفظ شخصیت یکدیگر، علاوه بر تأثیر مثبتی که در رفتار تعاملی میان آنها دارد، نقش تربیتی بسیار مهمی در کودکان نیز ایفا می‌کند. لذا این احترام، علاوه بر حفاظت از کانون خانواده، سبب جلوگیری از جدایی هر یک از زوجین یا فرزندان از خانواده شده و بدین ترتیب نقش پیش‌گیرانه از وقوع جرائم و انحرافات ایفا می‌کند.

۳-۳-۲. احترام به فرزندان

علی‌رغم اهمیت احترام فرزندان به والدین و تأکید اسلام در این باره می‌توان به اهمیت رفتار والدین با فرزندان نیز توجه ویژه کرد. بدون تردید، خانواده نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت و تربیت فرزندان ایفا می‌کنند. کودک، بسیاری از خصلت‌ها را از والدین فرا می‌گیرد و آنان را در زندگی سرمشق خود قرار می‌دهد. اگر والدین در رفتار تعاملی خود با فرزندان، به آن‌ها احترام بگذارند، نقش حفاظتی مهمی ایفا می‌کنند؛ زیرا فرزندان نسبت به خود و در تعامل با دیگران نگرش مثبت می‌یابند. اما اگر والدین به فرزندان احترام نگذارند، بلکه شخصیت ایشان را پایمال کنند، فرزندان نیز احساس ارزشمندی نخواهند کرد و این خود سبب سرخوردگی فرزندان و دورشدن از کانون خانواده و روی آوردن به دوستان ناباب می‌شود و زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات در آن‌ها فراهم می‌شود. بنابراین نقش خانواده در تربیت و شکوفایی ارزش‌های اخلاقی از نظر دین، بسیار برجسته و تعیین‌کننده است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به نحوه برخورد احترام‌آمیز با فرزندان تأکید کرده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۱۳: ۵۰۶).

برخورد بی‌ادبانه با فرزندان باعث سرخوردگی فرزندان و سردشدن روابط میان آنان شده و زمینه انحراف فرزندان فراهم می‌شود. همچنین، تنبیه و سرزنش بیش از حد کودک، باعث تحقیر و درهم‌شکستن شخصیت او می‌شود و این نگرش و برداشت در او ایجاد می‌شود که موجودی بی‌ارزش و غیرمفید است. چه بسا کودک، براساس این تصوّر از خود، به انجام رفتارهای ناهنجار روی آورده و می‌کوشد آن‌گونه که والدین او را ارزیابی کرده‌اند، عمل کند؛ بدین سبب، امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «زیاده‌روی در ملامت، آتش

لجاجت را شعله‌ور می‌کند» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۴).

خانواده و والدین نخستین واحد اجتماعی و الگوهای رفتاری هستند که می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و تقویت «خودباوری و اعتماد به نفس» اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان داشته باشند. «شخصیت انسان در سال‌های نخستین زندگی او در حال تکوین است. شیوه زندگی دوران کودکی و رفتار پدر و مادر و اطرافیان در تشکیل و پرورش شخصیت و منش او تأثیر قاطع دارد. رشد وجدان اخلاقی انسان، مرهون آموزش و پرورش است. کانون خانواده‌ای که بر اثر ناسازگاری پدر و مادر و اختلاف آنان آشفته است آثاری شوم در وجدان کودک می‌گذارد که چندین سال پس از آن، یا از آستانه بلوغ به بعد، به صورت عصیان و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند» (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

درباره احترام فرزندان به والدین تأکیدات فراوانی در آموزه‌های اسلامی شده است؛ آیات ۸۳ بقره، ۳۶ نساء و ۱۵۱ انعام بر این امر تأکید دارند. همچنین، خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره اسراء، فرزندان را توصیه به احسان به پدر و مادر کرده و از پرخاش و سخن ناشایست به آن‌ها نهی کرده‌اند.

۳-۴. نیاز به امنیت

از ارکان مهم برقراری امنیت در جامعه، نقشی است که خانواده می‌تواند در این حوزه ایفا کند؛ زیرا رفتار و حالات والدین، یکی از بزرگ‌ترین منابع آموزشی در مقولات امنیتی محسوب می‌شود (خورشیدوند، ۱۳۸۸، ش ۲۶: ۲۵). در آیه ۵۸ سوره اعراف به نقش تأثیرگذار خانواده در اصلاح اعضای خود و به تبع آن جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی توجه ویژه شده است؛ براساس این آیه، از زمین پاک و طیب، ثمره‌ای نیک به اذن پروردگار خارج می‌شود و از زمین آلوده و شوره‌زار، حاصلی ناقص و بی‌فایده خارج خواهد شد. بنابراین، خانواده آرمانی قرآن، خانواده‌ای است که آماده‌ی پذیرش و پرورش انسان است. چنان‌که از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «خداوند می‌فرماید: «خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخ حفظ کنید»، گفتند: چگونه خانواده‌مان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمودند: {به آن‌چه خدا دوست دارد} امرشان کنید و {از آن‌چه خدا نمی‌پسندد} نهی‌شان نمائید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۶۲). راهنمایی‌های پدر و مادر به فرزندان و نشان‌دادن مسیر درست

می‌تواند نقش مهمی در تحقق امنیت اجتماعی ایفا کند؛ چنان‌که مادر حضرت موسی علیه السلام به دستور خداوند بزرگ و برای این‌که بچه‌اش از شر دشمنان در امان باشد، او را درون سبد چوبی گذاشت و سبد را به رودخانه سپرد (سوره قصص: ۷).

از جمله مصادیق امنیت، حجاب زنان است که موجب حفظ آنان از تعرض و در نهایت سبب گرم شدن کانون خانواده و امنیت جسم و روح زن می‌گردد. در آیات متعدد، حدود حجاب و موارد استثنا، وظیفه چشم‌پوشی مردان و زنان نسبت به نامحرم و حفظ دامن و آشکارنشدن زینت‌های زنان و نحوه سخن گفتن آنان آمده است (سوره نور: ۳۱ و ۳۲). رعایت حریم محرم و نامحرم و روابط پسر و دختر نیز اثر مهمی در امنیت روانی فرد و خانواده و حتی جامعه دارد و نمونه‌های قرآنی، آن را برجسته می‌سازد؛ مانند رفتار دختران حضرت شعیب با حضرت موسی که کوتاه‌ترین عبارت را از طرف پدرشان و در نهایت رعایت حیا و عفت می‌گویند (سوره قصص: ۲۳ و ۲۴).

مازلو درباره اهمیت روابط زوجین با یکدیگر و رفتارشان با فرزندان و به‌طور کلی نقشی که نهاد خانواده می‌تواند در تحقق امنیت کودک داشته باشد، می‌گوید: «نیاز کودک به ایمنی شامل آن نوع فعالیت‌های عادی و یا یکنواختی می‌شود که آرامش او را بر هم نزنند. ناسازگاری در والدین باعث می‌شود کودک احساس نگرانی و ناامنی کند. نقش محوری والدین و اوضاع به‌هنگار خانوادگی، امری مسلم و غیرقابل بحث است. مشاجره، نزاع، جدایی، طلاق یا مرگ یکی از اعضای خانواده می‌تواند به‌گونه‌ای خاص وحشت‌آور باشد. همچنین پیامدهای تهدید والدین مبنی بر تنبیه بدنی فرزندان گاهی بیش از دردهای جسمانی است. در عین حال که در برخی کودکان، این وحشت می‌تواند در واقع نشانگر ترس از فقدان محبت والدین باشد؛ چنین وحشتی می‌تواند برای کودکانی اتفاق افتد که کاملاً مطرود هستند و به‌نظر می‌رسد که وابستگی عاطفی آن‌ها به والدین کینه‌توزشان، بیشتر به‌خاطر ایمنی و حمایت صرف باشد تا به‌خاطر امید به محبت» (Maslow, A.H. 1987: 19). همچنین، تربیت درست فرزندان توسط والدین و ارائه آموزش‌های دینی، اجتماعی و اخلاقی به آنان، پشتوانه قوی‌ای در تأمین امنیت و آسایش فرزندان است. هنگامی که فرزندان از این وجوه تأمین شوند، خانواده را کانون امنی برای خود می‌دانند. این امر می‌تواند سبب جلوگیری از جرائم و انحرافات شود که ممکن است توسط جوانان و

نوجوانان به وقوع بپیوندند. اما اگر والدین در رفتارشان با فرزندان از خشونت و بدرفتاری استفاده کنند، سبب فرار فرزندان از خانه و گرفتار شدن در باندهای بزه‌کاری و فساد خواهند شد؛ لذا خانواده بایستی در همه زمینه‌ها، امنیت را برای فرد فراهم آورد (رحیمی خورشیدوند، ۱۳۸۸، ش ۲۶: ۳۵).

۳-۵. نیاز به خودشکوفایی و تربیت سالم

آخرین نیازی که مازلو در سلسله‌مراتب خود بیان کرده است، نیاز به خودشکوفایی است. مازلو در تعریف این نیاز می‌گوید: چنان‌چه همه این نیازها رفع شوند، باز هم می‌توانیم انتظار داشته باشیم که به‌زودی نارضایتی و بی‌قراری تازه‌ای به‌وجود خواهد آمد، مگر آن‌که فرد به انجام کاری مشغول باشد که برای شخص او مناسب است. اگر موسیقی‌دان می‌خواهد در نهایت در خود به آرامش برسد، بایستی آهنگ بسازد و به همین ترتیب، یک نقاش باید تابلو بکشد و یک شاعر باید شعر بسراید. یک فرد هر چه که می‌تواند باشد، باید با سرشت خودش صادق باشد. این نیاز را می‌توانیم نیاز به خودشکوفایی بنامیم (Maslow, A.H.1987: 22) لذا می‌توان گفت، منظور از این نیاز، این است که شخص بتواند زمینه شکوفاساختن استعدادهای خویش را فراهم سازد؛ والدین بایستی با اعمال اصول تربیتی، زمینه شکوفاسازی استعدادهای فرزندان خود را فراهم آورند.

انسان در ابتدا برای رسیدن به تعالی، بایستی نفس خویش را از ارتکاب محرمات باز دارد تا بتواند زمینه شکوفاسازی دیگر استعدادهای خویش را فراهم آورد؛ اگر شخص نتواند نفس خویش را کنترل کند، نفس، وی را به ارتکاب جرائم و انحرافات وامی‌دارد. لذا مبارزه با نفس اماره در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۴۱۰، ح ۵۸۹۳). در روایت حدیث بصری آمده است: «چون بنده خدا تدبیر امور خود را به مُدبّرش بسپارد، مصائب و مشکلات دنیا بر وی آسان می‌گردد و زمانی که اشتغال ورزد به آن‌چه را که خداوند به وی امر کرده و نهی نموده است، دیگر فراغتی از آن دو امر نمی‌یابد تا فرصتی برای خودنمایی و فخریه‌نمودن با مردم پیدا نماید» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۸: ۶۴). خانواده در همین راستا می‌تواند نقش مهمی در تفهیم چنین آموزه‌های دینی به فرزندان داشته باشد.

از دیگر عوامل شکوفاسازی فرد، کار و تلاش برای کسب روزی است. خداوند در آیه ۱۰ سوره جمعه مردم را به تلاش در زمین برای کسب روزی سفارش کرده است. و مراد از «انتشار در ارض» متفرق شدن مردم در زمین و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا - رزق و روزی - است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۶۱).

نبی گرامی اسلام ﷺ عبادت را ده جز دانسته که نه جز آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۱۲). اگر فرد با کار و تلاش بتواند درصدد رفع نیازهایش برآید؛ هرگز به دنبال راه‌های نامشروع برای رسیدن به خواسته‌هایش نمی‌رود و جلوی بسیاری از جرائم و انحرافات گرفته می‌شود.

لذا والدین علاوه بر آموزش‌های دینی، وظیفه آموزش اخلاق اجتماعی که تا حد زیادی موجب سلامت زندگی اجتماعی می‌شود را نیز به عهده دارند. در این باره می‌توان به توصیه امام موسی بن جعفر علیه السلام به فرزند خود اشاره کرد. ایشان فرمودند: «فرزندم! از اظهار تنگدلی و تنبلی پرهیز؛ زیرا این خصلت تو را از بهره‌مندی دنیا و آخرت بی‌بهره می‌کند» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۵۹۱). اظهار تنبلی توسط شخص سبب می‌شود وی برای رفع نیازهای خود به دنبال کار و تلاش نباشد؛ بلکه راحت‌ترین راه را برای رسیدن به خواسته‌هایش انتخاب کند؛ اگرچه آن راه مجرمانه باشد. همچنین در بررسی اختلالات رفتاری و انحرافات اجتماعی، برخی از روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه بسیاری از اختلالات و آسیب‌ها به دلیل آن است که افراد نمی‌توانند تحلیل صحیح و مناسب از خود و موقعیت خویش، داشته باشند. همچنین عدم احساس کنترل جهت رویارویی با موقعیت‌های دشوار و عدم آمادگی برای حل مشکلات و مسائل زندگی نیز ریشه در ناتوانی آنان دارد. بنابراین، با توجه به تغییرات و پیچیدگی‌های روزافزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، آماده‌سازی افراد به ویژه نسل جوان برای مواجهه با موقعیت‌های دشوار توسط خانواده امری ضروری به نظر می‌رسد (پاشا، یادآوری، ۱۳۸۶، ش ۱۰-۱۱: ۳۰). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شایسته‌ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند، آن چیزهایی هستند که هنگام بزرگ‌سالی به آن‌ها نیاز دارند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ۳۳۳، ح ۸۱۷).

نتیجه‌گیری

دین اسلام از همان ابتدای تشریح در مواجهه با جرائم و انحرافات، تنها به مجازات مجرم اکتفا نکرده است، بلکه یک‌سری لایه‌های دیگری را نیز در کنار مجازات برای پیش‌گیری و مقابله با جرائم و انحرافات بیان کرده است؛ این لایه‌های کنترلی عبارتند از: لایه فرد، لایه خانواده، لایه خویشاوندی، لایه همسایگی، لایه برادری و در نهایت لایه حکومت. خانواده بعد از لایه فرد، مهم‌ترین نهاد در میان نهادهایی است که در پیش‌گیری از جرم نقش دارند؛ زیرا خانواده نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد خود دارد. همه افراد در اجتماع با یک‌سری نیازها و مشکلاتی روبه‌رو هستند که درصدد رفع آنها از راه‌های گوناگون بوده و در صورت عدم ارضای آن نیازها، زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات فراهم می‌شود. نهاد خانواده می‌تواند با ایفای نقش حمایتی و حفاظتی، بستر را برای رفع این نیازها و مشکلات فراهم کند و از این طریق، نقش مهمی در پیش‌گیری و مقابله با جرائم فراهم آورد. اما اگر این نهاد وظیفه خود را به‌درستی انجام ندهد، نه تنها نمی‌تواند از عوامل مهم پیش‌گیری محسوب شود بلکه عاملی برای سوق‌دادن اعضای خود برای ارتکاب جرم می‌باشد. کارکردهای مختلفی که لایه خانواده با توجه به آیات و روایات در پیش‌گیری از جرائم و انحرافات ایفا می‌کند، عبارتند از:

- ۱- تأمین نیاز زیستی (جنسی و مالی): اولین و مهم‌ترین نیازی که توسط حمایت خانواده بایستی رفع شود؛ پرداخت هزینه‌ها و فراهم کردن امکانات لازم برای ازدواج جوانان و رفع نیاز جنسی آنها از طریق مشروع است که مانع بسیاری از جرائم جنسی و اجتماعی خواهد بود. همچنین رفع نیاز مالی و تأمین هزینه‌های واجب (پرداخت نفقه همسر و فرزند و مهریه زن) توسط شوهر، می‌تواند در پیش‌گیری از آسیب‌هایی مانند طلاق، اعتیاد و یا جرائمی مانند سرقت، محاربه و قتل موثر باشد.
- ۲- تأمین نیاز عاطفی: رفع این نیاز توسط نهاد خانواده به شکل محبت و صمیمیت در بین اعضا (روابط میان زوجین و ارتباط والدین با فرزندان) سبب ایجاد آرامش و امنیت در میان اعضای خانواده خواهد شد و در غیر این صورت سبب دورشدن فرزندان و همسر از کانون خانواده و در نتیجه، زمینه‌ساز انجام برخی از جرائم و انحرافات خواهد شد.
- ۳- تأمین نیاز به احترام: روابط احترام‌آمیز میان زوجین و در تعامل با فرزندان و رفع این

نیاز توسط نهاد خانواده، نقش بسیار مهمی در سلامت رفتار اعضای خانواده ایفا می‌کند و از سرد شدن روابط میان اعضای خانواده و از بین رفتن شخصیت زوجین - از زمینه‌های وقوع جرم - جلوگیری می‌نماید.

۴- تأمین نیاز به امنیت: رفتار و حالات والدین، از بزرگ‌ترین منابع آموزشی در مقولات امنیتی محسوب می‌شود. اگر والدین در رفتارشان با فرزندان، از خشونت و بدرفتاری استفاده کنند، سبب فرار آنها از خانه و گرفتار شدن در باندهای بزه‌کاری و فساد خواهند شد؛ لذا خانواده بایستی در همه زمینه‌ها امنیت را برای فرد فراهم آورد.

۵- تأمین نیاز به خودشکوفایی و تربیت سالم توسط والدین و ارائه آموزش‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار فرد داشته و نیز سبب پیش‌گیری از جرائم و انحرافات گردد.



کتابنامه

✽ قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴)، نهج البلاغه، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۲. ابن‌ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، در ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن‌بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۳)، خصال، محقق: علی‌اکبر غفاری، ج ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴. _____ (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن‌شعبه حرانی (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. احسائی، محمد بن علی معروف به (ابن‌ابی‌جمهور) (۱۴۰۵)، عوالی اللثالی العزیزیه، چاپ اول، قم: دارسیدالشهداء للنشر.
۷. پاشا، غلامرضا و ماندانا یادآوری (۱۳۸۶)، «نقش اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت عمومی»، عزت نفس و خودابرازی، مجله مطالعات جوانان، ش ۱۰-۱۱.
۸. پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۳)، فرهنگ جامع روان‌شناسی-پزشکی (انگلیسی-فارسی)، ج ۲، تهران: فرهنگ معاصر.
۹. پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی، مترجم: علی‌حسین ابرنآبادی، تهران: نشر میزان.
۱۰. تایلر، استیو (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خودکشی، اصفهان: انتشارات اصفهان.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت ﷺ.
۱۲. _____ (۱۴۱۲)، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۱۳. اسدی حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد (۱۴۰۷)، عدة‌الداعی و نجاح‌الساعی، چاپ اول، بیروت - لبنان: دارالکتاب العربی.

۱۴. خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۸۲)، «معیار تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب از دیدگاه اسلام»، مجله معرفت، ش ۷۵.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۷. خورشیدوند، رحیم (۱۳۸۸)، «نقش خانواده در تأمین امنیت و جایگاه پلیس در ارتقاء آن»، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، ش ۲۶.
۱۸. رحیمی نیک، اعظم (۱۳۷۴)، تئوری‌های نیاز و انگیزش، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. رضی‌الدین طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۲)، مکارم الأخلاق، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: نوری همدانی، تهران: فراهانی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۳. قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۴. کفعمی عاملی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵)، المصباح، چاپ دوم، قم: دارالرضی (زاهدی).
۲۵. کوفی، محمد بن اشعث (بی‌تا)، الجعفریات، بیروت: داراحیاء التراث کوفی.
۲۶. کوئن، بروس (۱۳۸۱)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
۲۷. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۸)، مبانی جرم‌شناسی، چاپ نهم، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۹. گسن، ریموند (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی کاربردی، مترجم: مهدی کی‌نیا، تهران: چاپخانه علامه طباطبائی.
۳۰. _____ (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی نظری، مترجم: مهدی کی‌نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
۳۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۱۶)، میزان‌الحکمه (اخلاقی، عقائدی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی)، چاپ اول، در ۴ جلد، قم: دارالحدیث.
۳۳. مکی‌العاملی، محمد بن جمال‌الدین (۱۳۸۷)، اللمعة‌الدمشقیه، ج ۱ و ۲، ترجمه: علی شیروانی و محسن غروی‌ان، چاپ ۲۴، قم: دارالفکر.
۳۴. نجفی، محمدحسن (بی‌تا)، جواهر‌الکلام، محقق: شیخ محمد قوچانی، دارالاحیاء التراث العربی.
۳۵. نوری، میرزا حسین (۱۰۴۸)، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، چاپ اول، ۱۸ جلد، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.
۳۶. نعمت‌زاده، رجبعلی (۱۳۹۲)، «پیش‌گیری از وقوع جرم؛ نیاز ضروری نظام و جامعه» مجموعه مقالات «همایش علمی کاربردی پیش‌گیری از وقوع جرم»، بابل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل و دادگستری بابل.
37. Maslow. A.H. (1987), *Motivation and personalitys*, Third edition, by Addison-Wesley Educational Publishers Inc.